

بازنگری اقسام اقرار به اعتبار ترکیب در حقوق ایران

ملیکا منصوری (نویسنده مسئول)

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

mansoori.melika1377@gmail.com

این مقاله در دوره ۲۵ شماره ۶۶ (تابستان ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی منتشر خواهد شد.

چکیده

بر اساس نظر نویسندگان حقوقی، به تبعیت از حقوق فرانسه، اقرار از لحاظ ترکیب به سه دسته اقرار ساده، اقرار مقید و اقرار مرکب تقسیم می‌گردد؛ حال آنکه بر اساس پژوهش صورت گرفته اقرار از لحاظ ترکیب به تبعیت از فقه به دو دسته اقرار ساده و اقرار مرکب تقسیم می‌گردد و اقرار مرکب نیز خود به دو دسته اقرار موصوف و اقرار مقید تقسیم می‌گردد. بر اساس پژوهش‌های پیشین ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی ناظر به غیر قابل تجزیه بودن اقرار موصوف و مقید می‌باشد و ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی نیز ناظر به تجزیه‌پذیری اقرار مرکب است؛ حال آنکه با توجه به پژوهش صورت گرفته ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی ناظر به اصل تجزیه‌ناپذیری اقرار مرکب است و ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی استثنای این اصل و ناظر به تجزیه‌پذیری اقرار مرکب اعم از موصوف و مقید است که اجزای آن از نظر صدور حکم محکومیت علیه مقرر یا حکم برائت به نفع مقرر، با یکدیگر منافات دارند. با تفسیر اخیر از مواد ۱۲۸۲ و ۱۲۸۳ قانون مدنی اصل تجزیه‌ناپذیری اقرار نیز بهتر تبلور می‌یابد؛ در حالی که اگر از تفسیر حاصل از پژوهش‌های پیشین تبعیت شود، چون اقرار مذکور در ماده ۱۲۸۳ چهره استثنایی نخواهد داشت و این ماده ناظر به اقرار مرکب خواهد بود که اصولاً تجزیه‌پذیر است، اصل تجزیه‌ناپذیری اقرار از مواد قانون مدنی به دست نمی‌آید.

واژگان کلیدی

اقرار، تجزیه، مرکب، مقید، موصوف

مقدمه

بر اساس ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی، اقرار اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود. اقرار جزء مهمترین دلایل است و به عنوان سیدالبینات از آن یاد می‌شود. این پژوهش بر آن است که با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای به این پرسش‌ها پاسخ دهد که آیا دسته‌بندی مرسوم به اعتبار ترکیب از اقرار به اقرار ساده، اقرار مقید و اقرار مرکب صحیح است یا خیر و اینکه آیا تقسیم‌بندی اقرار به اعتبار ترکیب از حقوق فرانسه نشئت گرفته است یا از فقه و اینکه بین ماده ۱۲۸۲ و ۱۲۸۳ قانون مدنی چه ارتباطی وجود دارد. دقیقاً در مورد عنوان این پژوهش تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. تاکنون دو مقاله مشابه با موضوع پژوهش حاضر نگارش شده است که یکی از این مقالات با عنوان اقرار غیر مجرد می‌باشد که در سال ۱۳۷۰، در مجله حقوقی دادگستری نگارش شده است و مقاله اقرار مرکب معنوی در حقوق ایران و فرانسه در دو فصلنامه علمی حقوق تطبیقی نگارش شده است. تفاوت این دو مقاله با پژوهش حاضر این است که نویسندگان هر دو این مقالات از تقسیم‌بندی مرسوم مؤلفان از اقرار به اعتبار ترکیب تبعیت نموده‌اند و هیچ‌کدام به بازنگری اقسام اقرار به اعتبار ترکیب در حقوق ایران پرداخته‌اند. اینکه تقسیم‌بندی مرسوم از اقرار به اعتبار ترکیب به اقرار ساده، مقید و مرکب صحیح نیست و اقسام اقرار به اعتبار ترکیب از فقه برگرفته شده است و اینکه ماده ۱۲۸۳ استثنای ماده ۱۲۸۲ و ناظر به اقرار مقید به معنی اخصی است که اجزای آن از نظر حکم برائت یا محکومیت برای مقر با یکدیگر منافات دارند از فرضیه‌های این پژوهش می‌باشند. پژوهش حاضر از سه بخش تشکیل شده است که در بخش اول به اقسام اقرار به اعتبار ترکیب، در بخش دوم به تعاریف اقسام اقرار به اعتبار ترکیب و در بخش سوم به ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی؛ استثنا بر ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی پرداخته می‌شود.

۱- اقسام اقرار به اعتبار ترکیب

۱-۱- اقسام اقرار به اعتبار ترکیب در تألیفات حقوقی

در تألیفات حقوقی، اقرار از جهت ترکیب به سه دسته اقرار ساده، اقرار مقید به معنی اعم یا اقرار مقید و موصوف و اقرار مرکب تقسیم‌بندی می‌گردد.^۱ در یکی از کتب حقوقی از اقرار مرکب تحت عنوان اقرار مجمل یاد شده است.^۲ این تقسیم‌بندی از نظر حقوقدانان فرانسوی برگرفته شده است.^۳

۱-۱-۱- علل مؤلفان برای تقسیم‌بندی مارالذکر از اقرار و نقد آنها

۱- مؤلفان این تقسیم‌بندی را به این سبب دانسته‌اند که در اقرار مرکب، جزء دوم اقرار ادعای جدیدی است که از سوی مقر مطرح می‌گردد،^۴ اما در اقرار مقید به معنی اعم، ادعای جدیدی مطرح نمی‌گردد و فقط قید یا وصفی به جزء اول اقرار افزوده می‌گردد؛ حال آنکه به نظر نگارنده در اقرار مقید به معنی اعم نیز گاهی جزء دوم اقرار بیانیه‌ای بر خلاف اصل است که ادعا محسوب می‌گردد؛ به عنوان مثال در اقرار موصوفی مبنی بر اینکه کالای مورد نظر را از خواهان گرفته‌ام اما گرفتن کالا به عنوان هبه بوده است نه قرض، جزء دوم اقرار ادعایی بر خلاف اصل عدم تبرع مذکور در ماده ۲۶۵ قانون مدنی است و در عین حال اقرار موصوف می‌باشد.

۱. محمدرضا واعظی‌نژاد، ادله اثبات دعوی در امور کیفری، (تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۳). ص ۲۹ و عباس کریمی، ادله اثبات دعوا، (تهران: میزان، ۱۳۹۹). ص ۶۴

۲. عبدالمجید قائم‌مقامی، حقوق مدنی جزوه اقرار (مواد ۱۲۵۸ الی ۱۲۸۳ قانون مدنی)، (تهران: چاپ الوند، ۱۳۴۱). ص ۱۹

۳. M.M.C. AUBRY ET C. RQU, Course DE Droit Civil Français, Traduit de l'Allemand, Strasbourg, F. Lagier, Libraire- Editeur Rue Mercière 10, 1846, page 602

۴. مهدی شهیدی، «اقرار غیر مجرد»، مجله حقوقی دادگستری ۵۵، شماره ۱ (۱۳۷۰)، ص ۴۲ و سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۶، (تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵). ص ۶۰

۲- دلیل دومی که نویسندگان برای تقسیم‌بندی مزبور عنوان نموده‌اند، این است که اقرار مرکب از دو جمله تشکیل می‌گردد، حال آنکه اقرار موصوف و مقید تنها یک جمله است؛^۵ اما به نظر نگارنده در اقرار موصوف و مقید نیز گاهی اوقات با دو جمله مواجه می‌باشیم؛ به عنوان مثال زمانی که مقرر بیان می‌دارد که صد هزار تومان بدهکار هستم اما دین بنده مؤجل است، با دو جمله مواجه هستیم؛ اما در عین حال چنین اقراری اقرار مقید است.

۳- دلیل سومی که نویسندگان برای تقسیم‌بندی مذکور بیان می‌دارند، این است که در اقرار مرکب، مقرر در جزء دوم این اقرار، ادعایی را مطرح می‌کند که در واقع جدا از جزء اول اقرار است و بعد از ایجاد حق انجام گرفته است؛^۶ به عنوان مثال در اقرار مرکب مبنی بر اینکه بدهکار بوده‌ام اما پرداخت کرده‌ام، فعل پرداخت جدا از مرحله ایجاد حق است و بعد از ایجاد حق انجام شده است؛ حال آنکه به نظر نگارنده در مواردی هم که مقرر بیان دارد که بدهکار هستم اما سه ماه بعد از انعقاد قرارداد با هم توافق کردیم که دین‌ام را دیرتر پرداخت کنم، در واقع در اینجا هم بعد از انعقاد قرارداد و ایجاد حق، کاری انجام گرفته است؛ اما تردیدی وجود ندارد که اقرار به دین به نحو مؤجل یک اقرار مقید می‌باشد. طبق مشروح مذاکرات قانون مدنی در رابطه با ماده ۱۲۸۳ این قانون نیز، این ماده در ابتدا به این شرح وارد شور ثانی کمیسیون مجلس شورای اسلامی گردید: «اگر اقرار دارای دو جزء مختلف‌الاثرا باشد که ارتباط تامی با یکدیگر داشته باشند، مثل اینکه مدعی‌علیه اقرار به اخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود یا آنکه مدعی شود اخذ وجه بابت طلب سابق بوده، مطابق ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد. «^۷ در واقع مثال دوم این ماده که به علت اقرار نبودن از ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی حذف گردید^۸، ناظر به فرضی بوده است که جزء دوم اقرار جدا از جزء اول نبوده است و با جزء اول تحقق یافته است و در فرض اقرار بودن، اقرار موصوف محسوب می‌گردد؛ حال آنکه چنین اقراری در ماده ۱۲۸۳ ذکر گردیده است و بنا بر نظر نویسندگان، این ماده ناظر به اقرار مرکب است. در نص فقهی نیز اقرار مبنی بر اینکه خانه را فروخته‌ام اما ثمن مبیع را قبض نکرده‌ام، یک اقرار مرکب است که اجزای آن از یکدیگر تجزیه می‌شود؛^۹ در حالی که در این اقرار فعلی بعد از ایجاد حق انجام نگرفته است و چنین اقراری یک اقرار موصوف است که اگر نظر مرسوم در تألیفات حقوقی صحیح بود، چنین اقرار موصوفی باید به حکم ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی غیر قابل تجزیه می‌بود.

۲-۱- تقسیم‌بندی جدید از اقرار به اعتبار ترکیب و دلایل آن

علاوه بر نقد دلایل مؤلفان از تقسیم‌بندی اقرار، دلایل دیگر نگارنده برای مخالفت با تقسیم‌بندی مزبور از قرار ذیل است:

۱- در ماده ۱۲۸۲ نامی از اقرار موصوف و مقید برده شده است اما در ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی نامی از اقرار مرکب برده نشده است.

۲- در ماده ۱۲۹۸ قانون مدنی صرفاً به تجزیه‌ناپذیری اقرار اشاره گردیده است، حال آنکه اگر تقسیم‌بندی مرسوم در تألیفات حقوقی صحیح بود، باید در مورد اقرار مرکب به تجزیه‌پذیری اقرار مرکب اشاره می‌نمود؛ پس دلیل اینکه قانون‌گذار در ماده ۱۲۹۸ قانون مدنی به تجزیه‌ناپذیر بودن اقرار اشاره نموده است ناظر به اصل تجزیه‌ناپذیری مذکور در ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی است و در واقع چون مفاد ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی ناظر به استثنا بوده است، نه قاعده کلی، در ماده ۱۲۹۸ قانون مدنی ذکر نگردیده است؛ پس تقسیم‌بندی اقرار به سه دسته فوق‌الذکر در تألیفات حقوقی فرانسوی، در مورد قانون ما صدق

^۵ شهیدی، پیشین، ص ۴۰

^۶ بهرام بهرامی، بایسته‌های ادله اثبات، (تهران، مؤسسه فرهنگی نگاه بینه، ۱۳۸۹)، ص ۴۸

^۷ احمدرضا نائینی (گردآورنده و محقق)، مشروح مذاکرات قانون مدنی، (تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶)، ص ۱۷۶

^۸ همان. ص ۴۷۰

^۹ «و لو قال: له علی عشرة من ثمن مبیع لم أقبضه أزم بالعشرة و لم یلتفت الی دعواه عدم قبض المبیع، للتنافی بین قوله: «علی» و «کونه لم یقبض المبیع»، لأن مقتضاه عدم استحقاق المطالبه بثمنه مع ثبوته فی الذمه، فان البائع لا یستحق المطالبه بالثمن الا مع تسلیم المبیع.»؛ قاروبی تبریزی، شیخ حسن، النضید فی شرح روضه الشهدید، ج ۳۳، (قم، عالمه، ۱۳۹۶ ه. ش.)، ص ۲۶۰

نمی‌کند. بهتر است که اقرار را از جهت ترکیب به دو دسته اقرار ساده و اقرار مرکب تقسیم‌بندی نماییم که اقرار مرکب آن است که از دو جزء تشکیل شده باشد که جزء اول به ضرر مقر و جزء دوم به نفع مقر می‌باشد و اقرار مرکب نیز خود به دو دسته اقرار موصوف و اقرار مقید به معنی اخص تقسیم‌بندی گردد. ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی ناظر به اصل تجزیه‌ناپذیری اقرار مرکب است و ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی استثنای ماده قبل و ناظر به استثنای اصل تجزیه‌ناپذیری اقرار مرکب است.

۲- دستاوردهای تقسیم‌بندی جدید از اقرار به اعتبار ترکیب

۲-۱- صحت‌پذیری رویه قضایی در نتیجه پذیرش تقسیم‌بندی جدید از اقرار به اعتبار ترکیب

رای شماره ۲۶۳-۱۴/۳/۱۳۳۰ شعبه چهارم دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «اگر خوانده اظهار دارد که اشیاء مورد مطالبه‌ی خواهان در مقابل استقراض مبلغی از من نزد من وثیقه گذاشته شده، اقرار مزبور طبق ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی دارای دو جزء مختلف الاثر است که ارتباط تام با یکدیگر داشته و باید با توجه به ماده مزبور حکم مقتضی صادر گردد و نظر دادگاه بر رد محکومیت خوانده با استناد ماده ۱۲۸۲ ق. م و قابل تجزیه ندانستن اقرار مذکور صحیح نخواهد بود.»^{۱۰} اقرار مذکور در این رأی از نوع اقرار موصوف است که در آن بعد از اینکه مقر مبلغی را از خواهان گرفته است، کاری در جهت اسقاط حق خواهان نسبت به مقر انجام نگرفته است و در واقع وثیقه بودن مبلغ گرفته‌شده از همان ابتدا همراه با گرفتن مبلغ بوده است. اگر تقسیم‌بندی مرسوم در تألیفات حقوقی صحیح تلقی شود، اقرار مذکور در رأی اخیر بایستی مشمول ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی و غیر قابل تجزیه تلقی گردد؛^{۱۱} حال آنکه در این رأی، اقرار به گرفتن مبلغ به عنوان وثیقه مشمول ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی و قابل تجزیه تلقی شده است. در واقع در رویه قضایی، مطابق با تقسیم‌بندی جدید از اقرار، اقرار موصوف و مقیدی که اجزای آن از نظر صدور حکم براءت یا محکومیت برای مقر، با یکدیگر منافات دارند، بر اساس ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی تجزیه‌پذیر قلمداد شده است و در این مورد تفاوتی بین اینکه بعد از به وجود آمدن دین، مقر کاری را انجام داده باشد یا انجام نداده باشد، وجود ندارد. حال آنکه اگر تقسیم‌بندی مرسوم در تألیفات حقوقی در نظر گرفته شود، باید بگوییم که رویه قضایی در مورد تجزیه‌پذیری اقرار موصوف و مقیدی که اجزای آن با یکدیگر منافات دارند، اما مقر بعد از به وجود آمدن دین کاری را انجام نداده است، به بیراهه رفته است و رویه قضایی می‌بایستی چنین اقراری را به حکم ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی که ناظر به اقرار موصوف و مقید است، تجزیه‌ناپذیر قلمداد می‌نمود. پس در واقع برای احراز صحت و درستی رویه قضایی باید از تقسیم‌بندی جدید از اقرار پیروی کرد، نه تقسیم‌بندی پیشین.

۲-۲- صحت‌پذیری اصل تجزیه‌ناپذیری اقرار در نتیجه پذیرش تقسیم‌بندی جدید از اقرار به اعتبار ترکیب

در واقع اگر اقرار را به دو دسته ساده و مرکب و اقرار مرکب را نیز به دو دسته موصوف و مقید تقسیم کنیم و ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی را نیز ناظر به تجزیه‌ناپذیری اقرار مرکب اعم از موصوف و مقید بدانیم و بعد از آن هم ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی

۱۰. ابراهیم ناصر شادباد، ادله اثبات دعوی، (تبریز: انتشارات یانار: آیدین، ۱۳۹۱). ص ۱۰۰ و مجموعه رویه قضایی، آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، آرای مدنی، ج ۲. ۱۳۳۰. آرشیو حقوقی کیهان به نقل از رضا دهقانی. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی اقرار با تأکید بر حقوق مدنی در کشورهای ایران، کانادا، فرانسه. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس. ص ۲۴

۱۱. بهرام بهرامی، پیشین، ص ۴۸

را استثنای ماده ۱۲۸۲ و ناظر به تجزیه‌پذیری اقرار مرکب اعم از موصوف و مقیدی که اجزای آن از نظر حکم برائت یا محکومیت برای مقر، با یکدیگر منافات دارند، بدانیم، اصل تجزیه‌ناپذیری اقرار^{۱۲} در قانون مدنی بهتر تبلور می‌یابد.

۲- تعاریف اقسام اقرار به اعتبار ترکیب

۲-۱- اقرار ساده

اقرار ساده به معنی پذیرش مطلق تمام یا بخش تجزیه‌پذیر دعوا است، اقرار ساده از یک جمله تشکیل می‌شود و هیچ قید و شرطی ندارد؛^{۱۳} مانند اینکه خواهان به استناد وراثت از سوی مالک، خلع ید متصرفی را بخواهد و او به وراثت خواهان (سبب مالکیت) اقرار نماید. همچنین است فرضی که خواهان دعوی به مطالبه دویست میلیون تومان بابت ثمن معامله علیه خوانده اقامه نماید و خوانده دین خود را نسبت به مبلغ صد میلیون تومان بپذیرد. یکی از نویسندگان می‌گوید تجزیه کردن میزان خواسته در این فرض اقرار را مقید نمی‌کند و به همین جهت هم هیچ کس در امکان تجزیه‌ی اقرار تردید ندارد، در حالی که ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی تجزیه‌ی اقرار مقید را منع کرده است؛ پس نمی‌توان اقرار ساده را به اقراری تعریف نمود که خوانده تمام خواسته را همچنان که ادعا شده است مورد پذیرش قرار دهد.^{۱۴} حال آن که اقرار ساده غیر قابل تجزیه است و اینکه خوانده دعوا قسمتی از خواسته را مورد پذیرش قرار دهد، به منزله تجزیه اقرار نیست بلکه به معنای تجزیه ادعا است و چون قسمتی از ادعا را بدون اینکه قید یا وصفی به آن بیفزاید مورد پذیرش قرار داده است، اقرار ساده است، نه اقرار مقید.

اقرار ساده در فقه با عنوان اقرار بسیط شناخته شده است، اقرار بسیط در فقه به معنای اقراری است که با ادعای امری که مدعی به آن معترف نیست، همراه نباشد. همان‌طور که اگر مدعی ادعا کند که به زید صد دینار قرض داده است و زید اعتراف کند بدون اینکه به اقرارش ادعای پرداخت یا ادعای مؤجل بودن دین در صورتی که آن اجل فرا نرسیده باشد یا چیز دیگری که مدعی به آن معترف نیست، اضافه کند و این اقرار در نزد آنها بدون اشکال معتبر است.^{۱۵} همچنین است در موردی که علی دادخواستی به طرفیت حسن به خواسته یک میلیون تومان به انضمام خسارت تأخیر تأدیه از قرار دوازده درصد از تاریخ مطالبه به دادگاه تقدیم داشته، حسن در لایحه خود ادعاهای علی را از هر جهت و هر بابت بپذیرد لکن مدعی شود که وضع اقتصادی او مانع تأدیه‌ی دین است، در این صورت حسن به اقرار ساده مبادرت نموده است^{۱۶} و اینکه به نابسامانی وضعیت اقتصادی خود برای تأدیه دین استناد نموده است موجب نمی‌شود که اقرار مقید باشد؛ زیرا استناد به وضعیت نابسامان اقتصادی مربوط به ویژگی دین اعم از مرحله ایجاد دین و مرحله‌ی اجرای حق دینی نیست و بلکه مربوط به ویژگی اقتصادی مقر است.

۱-۱-۲- اقسام اقرار ساده

اقرار ساده به دو دسته اقرار غیر متعاقب به استثنا و اقرار متعاقب به استثنا تقسیم می‌گردد:

۱-۱-۱-۲- اقرار ساده غیر متعاقب به استثنا

اقرار ساده غیر متعاقب به استثنا اقراری است که از یک جزء تشکیل گردیده است و بعد از شمول اقرار بر موضوع آن، قسمتی از موضوع به وسیله حروف استثنا از شمول اقرار خارج نگردیده است؛^{۱۷} مانند اینکه مقر اقرار نماید که من این خانه

۱۲. ناصر کاتوزیان، اثبات و دلیل اثبات، (تهران: میزان، ۱۳۸۰)، ص ۲۴۸

۱۳. کاتوزیان، پیشین. ص ۲۴۷ و معاونت آموزش قوه قضائیه، نکته‌های کلیدی آیین دادرسی مدنی - اقرار، (تهران: جاودانه، ۱۳۸۸)، ص ۳۹

۱۴. کاتوزیان، پیشین. ص ۲۴۷

۱۵. سید کاظم حسینی حائری، القضاء فی الفقه الإسلامی، ج ۱، (قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۳۸۱)، ص ۷۴۳-۷۴۲

۱۶. قائم‌مقامی، پیشین. ص ۱۸

را غصب نموده‌ام یا من صد هزار تومان بدهکار هستم که در واقع بعد از اقرار به غصب خانه یا مدیون بودن به مبلغ صد هزار تومان، قسمتی از خانه یا بخشی از صد هزار تومان از شمول اقرار خارج نگردیده است.

۲-۱-۱-۲- اقرار ساده متعاقب به استثنا

اقرار متعاقب به استثنا، اقراری است که در آن، مقر ابتدا به موضوعی اقرار می‌نماید و سپس به وسیله یکی از حروف استثنا بخشی از موضوع اقرار را از شمول اقرار خارج می‌نماید؛^{۱۷} مانند اینکه مقر اقرار می‌نماید صد هزار تومان بدهکارم به غیر از سی هزار تومان.

اقرار متعاقب به استثنا با وجود اینکه از دو جزء تشکیل گردیده است، اقرار مرکب محسوب نمی‌گردد؛ چون چنانچه در قسمت‌های آتی مطالعه خواهد شد، در اقرار مرکب، موضوع اقرار به واسطه جزء دوم اقرار مرکب مشمول وصف یا قیدی می‌گردد، حال آنکه در اقرار متعاقب به استثنا، فقط قسمتی از موضوع اقرار از شمول اقرار خارج می‌گردد، بی‌آنکه موضوع اقرار مشمول وصف یا قیدی گردد.

۲-۲- اقرار مرکب

کمتر در دعوا اتفاق می‌افتد که طرف بدون تغییر موضوع، ادعای مدعی را بپذیرد بلکه اغلب طبیعت آن را با افزودن قید یا وصفی تغییر یا تقلیل می‌دهد. اقرار مرکب تصدیق موضوع ادعای مدعی با افزودن قید یا وصفی است که طبیعت ادعا را تغییر می‌دهد.^{۱۸ و ۱۹} در حقوق فرانسه اقرار مزبور به اقرار موصوف معروف است. انتخاب نام اقرار مقید برای این نوع اقرار از نظر عبارت ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی می‌باشد و دایره آن مشتمل بر اقرار مقید به معنای اخص و اقرار موصوف است.^{۲۰} اقرار ساده در برابر اقرار موصوف و مقید قرار می‌گیرد. ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر اقرار در محکمه، مقید به قید یا وصفی باشد مقرر نمی‌تواند آن را تجزیه کرده و از قسمتی از آن که به نفع او است بر ضرر مقر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرف نظر کند.»^{۲۱}

در اقرار مرکب دو نوع اخبار صورت می‌گیرد که اخبار اول، اخباری به نفع غیر و به ضرر خود (اقرار) است و اخبار دوم، اخباری به نفع خود و به ضرر غیر (ادعا) است.^{۲۲}

اقرار مرکب، اقراری است که دارای دو جزء می‌باشد که یکی پیوسته دیگری است و در یک جمله قرار گرفته‌اند؛ یعنی نباید بین دو جزء آن فاصله‌ای باشد که عرفاً دو امر جداگانه محسوب گردد و اِلّا اقرار مرکب نمی‌باشد؛ بلکه دو امر جداگانه می‌باشد که قسمت اول اقراری خاتمه‌یافته و قسمت دوم آن اقرار یا ادعایی می‌باشد که محتاج به اثبات است.^{۲۳}

۲-۲-۱- اقسام اقرار مرکب از جهت وصف یا قید بودن جزء دوم

اقرار مرکب از جهت وصف یا قید بودن جزء دوم به دو دسته اقرار موصوف و اقرار مقید تقسیم می‌گردد.

^{۱۷}. امیرحسین شیخ‌نیا، ادله‌ی اثبات دعوی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵). ص ۷۹

^{۱۸}. امامی، پیشین. ص ۵۷

^{۱۹}. P. H. collin, (2004), Dictionary of law, fourth edition England, London, Bloomsbury publishing

^{۲۰}. امامی، پیشین. ص ۵۸

^{۲۱}. کاتوزیان، پیشین. ص ۲۴۷ و معاونت آموزش قوه قضائیه، پیشین. ص ۳۹

^{۲۲}. عباس کریمی، ادله اثبات دعوا، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۹). ص ۶۵

^{۲۳}. فهیمه ملک‌زاده، دانشنامه حقوقی (حقوق مدنی)، ج ۱، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۵). ص ۲۴۴

۱-۱-۲- عناصر سازنده اقرار موصوف و اقرار مقید

۱-۱-۲- همراه بودن وصف یا قید

اولین عنصر سازنده اقرار موصوف و اقرار مقید همراه بودن وصف یا قید است.^{۲۴} وصف به معنای ویژگی مربوط به مرحله ایجاد حق یا موضوع اقرار است. برای اینکه اقراری موصوف محسوب گردد باید همراه با ویژگی‌ای از مرحله ایجاد حق یا همان موضوع اقرار باشد.

قید هم به معنای ویژگی مربوط به مرحله اجرای حق یا فعل است. برای اینکه اقراری مقید محسوب گردد باید همراه با ویژگی‌ای در مرحله اجرای حق یا فعل باشد.

۱-۱-۲- پیوند وصف و موصوف یا قید و مقید

باید بین وصف و موصوفش یا قید و مقیدش پیوندی وجود داشته باشد که از نظر عرف یک کلام محسوب گردد،^{۲۵} فاصله‌ای که به منظور تنفس یا ساختن جمله بعدی ایجاد گردد،^{۲۶} خللی به اقرار موصوف وارد نمی‌نماید. لازم نیست که حتماً وصف یا قید به واسطه کسره اضافه یا یکی از حروف ربط به موصوف یا مقید خود متصل باشد؛ بلکه ممکن است حروف ربط در تقدیر قرار گرفته باشند و نکته دیگر این است که ممکن است در بین موصوف و وصف یا مقید و قید رشته حوادثی که رخ داده است، بیان گردد و این امر خللی به اقرار موصوف یا مقید وارد نمی‌نماید.

۱-۱-۲- دگرگونی در طبیعت اقرار و آثار آن

وصف یا قید اضافه‌شده در اقرار موصوف یا مقید باید طبیعت اقرار را دگرگون ساخته و آثار حقوقی واقعه مورد اقرار را تغییر یا تقلیل دهد.^{۲۷}

در اقرار موصوف یا مقید که وصف یا قید افزوده‌شده به «اخبار به حق طرف» آثار حقوقی واقعه مورد اعتراف را تغییر نداده باشد، اقرار ساده تلقی می‌گردد نه اقرار موصوف یا مقید؛^{۲۸} به عنوان مثال اگر خواننده در برابر ادعای خواهان مبنی بر بدهکار بودن به مبلغ صد هزار تومان، اقرار به بدهکار بودن به مبلغ یک میلیون ریال نماید، چون در عرف کشور ایران صد هزار تومان برابر با یک میلیون ریال می‌باشد و با آن تفاوتی ندارد، اقرار خواننده یک اقرار ساده محسوب می‌گردد نه اقرار موصوف و به عنوان مثال اگر خواننده اقرار به مدیون بودن خود به صورت مؤجل نماید که اجل نیز قبلاً فرا رسیده است، چون این قید آثار حقوقی واقعه مورد اعتراف را تغییر نمی‌دهد، یک اقرار ساده است، نه اقرار مقید.^{۲۹}

وصف به دو نوع ذاتی و غیر ذاتی تقسیم می‌گردد. وصف ذاتی وصفی می‌باشد که مقوم ذات موصوف بوده و با انتفای آن، موصوف نیز از بین می‌رود؛ به عنوان مثال «ناطق» در «الانسان الناطق»، وصف ذاتی انسان است که با رفتن آن موصوف (انسان) هم از بین می‌رود^{۳۰} و مثال دیگر برای وصف ذاتی تمام نقش امام بودن سکه، نیم‌بهار بودن سکه و مدل پایین‌تر بودن خودرو می‌باشد.

وصف غیر ذاتی عبارت است از وصفی که مقوم ذات موصوف نیست و با رفتن آن، موصوف از بین نمی‌رود؛ به عنوان مثال وصف «سفید بودن» برای حیوان وصف غیر ذاتی است؛^{۳۱} اما تعریف نگارنده از وصف ذاتی و غیر ذاتی از جهت تغییر یا عدم

^{۲۴} محمدجواد صفار، قاعده تجزیه‌ناپذیری اقرار و دامنه اجرای آن، فصلنامه نامه مقید، شماره ۲۲ (۱۳۸۸)، ص ۱۰

^{۲۵} همانجا

^{۲۶} شهیدی، پیشین، ص ۴۶

^{۲۷} محمدجواد صفار، پیشین، ص ۱۱

^{۲۸} حسینی حائری، پیشین، ص ۷۴۳-۷۴۲

^{۲۹} همانجا.

^{۳۰} جمعی از محققان، فرهنگ‌نامه اصول فقه، ج ۱، (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹)، ص ۸۹۱

^{۳۱} همان. صص ۸۹۳-۸۹۲

تغییر در ماهیت حقوقی قضیه با تعریف مذکور در اصول فقه متفاوت است؛ به این ترتیب که به نظر نگارنده وصف ذاتی وصفی است که در داخل ذات و عناصر اساسی موصوف قرار گرفته است و وصف غیر ذاتی وصفی است که در داخل ذات و عناصر اساسی موصوف قرار نگرفته است و جدا از عناصر اساسی موصوف می‌باشد. مشروط بودن قرارداد منعقدشده به شرط صفت، شرط فعل یا شرط نتیجه یا خیاری بودن قرارداد منعقدشده اوصاف غیر ذاتی می‌باشند. معیار تشخیص وصف ذاتی از غیر ذاتی داوری عرف می‌باشد. اوصاف غیر ذاتی تغییری در ماهیت حقوقی قضیه ایجاد نمی‌نمایند؛ فلذا آوردن اوصاف غیر ذاتی موجب به وجود آمدن اقرار مرکب نمی‌گردد.

اوصاف غیر ذاتی تغییری در ماهیت حقوقی قضیه ایجاد نمی‌نمایند؛ اما این طور نیست که تمام اوصافی که تغییری در ماهیت حقوقی قضیه ایجاد نمی‌نمایند غیر ذاتی باشند و در واقع اوصاف ذاتی‌ای وجود دارند که تغییری در ماهیت حقوقی قضیه ایجاد نمی‌نمایند؛ فلذا آوردن آنها موجب به وجود آمدن اقرار مرکب نمی‌گردد؛ به عنوان مثال در دعوی به خواسته صدور حکم طلاق به دلیل ازدواج مجدد زوج، در صورتی که خوانده اقرار نماید که ازدواج مجدد کرده است، اما ازدواج مجدد او موقت بوده است، موقت بودن نکاح وصف ذاتی نکاح است؛ اما چون تغییری در ماهیت حقوقی قضیه ایجاد نمی‌نمایند؛ فلذا موجب به وجود آمدن اقرار مرکب نمی‌گردد.

۲-۱-۲- ضابطه تشخیص اقرار موصوف از اقرار مقید

همان طور که در سطرهای پیشین گفته شد ویژگی‌های حق دو دسته است که یک دسته ویژگی‌های مرحله ایجاد حق است و دسته دیگر ویژگی‌های مرحله اجرای حق است. وصف ویژگی‌های مرحله ایجاد حق است و قید ویژگی‌های مرحله اجرای حق است. قیدها از نظر مفهوم به بیست و دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: قید زمان مثل روز یا شب، قید مکان مثل اینجا یا آنجا، قید مقدار مثل بسیار یا کمی، قید کیفیت (چگونگی) مثل خوب یا بد، قید حالت مثل خندان یا گریان، قید تمنا مثل کاش یا ان شاء الله، قید تأسف مثل متأسفانه یا افسوس، قید تعجب مثل عجب، قید قصد مثل ترجماً یا تبرکاً، قید تدریج مثل دقیقه به دقیقه یا هفته به هفته، قید تکرار مثل دوباره، قید تفسیر مثل به عبارت دیگر، قید ترتیب مثل دو یا پی در پی، قید پرسش مثل چرا، قید استثنا مثل به جز که یا مگر که، قید نفی مثل هرگز، قید تصدیق و تأکید مثل حتماً، قید تشبیه مثل گویی یا به سان، قید علت مثل به این دلیل، قید انحصار مثل فقط، قید تبری و ادب مثل خدا نکرده، قید اختصار مثل فی‌الجمله.^{۳۲}

از میان قیدهای نام‌برده شده قیدهایی که می‌توانند اقرار را به اقرار مقید تبدیل کنند و ویژگی‌های اقرار مقید را به اقرار ببخشند عبارتند از: قید زمان مثل اینکه خوانده اقرار نماید که بدهکار هستم اما دین من مؤجل است و باید در فلان تاریخ پرداخت کنم، قید مکان مثل اینکه خوانده اقرار نماید که بدهکار هستم اما قرار بوده است در فلان مکان آن را پرداخت نمایم، قید کیفیت (چگونگی) مثل اینکه خوانده اقرار نماید که بدهکار هستم اما قرار بوده است دین‌ام را به صورت قسطی پرداخت کنم، قید تدریج مثل اینکه خوانده اقرار نماید که بدهکار هستم اما قرار بوده است که آن را اندک به اندک پرداخت کنم که مقدار اندک توسط کارشناس و با مراجعه به عرف تعیین می‌گردد.

از میان قیدهای نام‌برده شده قیدهایی که نمی‌توانند اقرار را به اقرار مقید تبدیل کنند و ویژگی‌های اقرار مقید را به اقرار ببخشند عبارتند از: قید مقدار که مثلاً خوانده اقرار نماید که مقدار کمی از مبلغ صد هزار تومان بدهکار هستم که در واقع این نوع اقرار، اقرار به بخشی از ادعا می‌باشد و یک اقرار ساده است، نه مقید، قید حالت که حالت‌های هیجانی یا جسمانی را نشان می‌دهد و فقط می‌تواند مربوط به حالت‌های هیجانی یا جسمانی بدهکار یا طلبکار باشد، نه ویژگی دین و به همین

^{۳۲}. لیلا وفایی‌زاده، ادبیات را ساده بیاموزیم، نوشته شده در یکشنبه دوم مهرماه ۱۳۹۱، قابل دسترس، (تاریخ مراجعه به سایت: ۱۴۰۲/۸/۱)، قابل مشاهده

دلیل هم این نوع قید عرفاً نمی‌تواند در طبیعت اقرار و آثار آن دگرگونی ایجاد کند، قید تمنا، قید تأسف، قید تعجب، قید قصد، قید تکرار، قید تفسیر، قید ترتیب، قید پرسش، قید استثنا، قید نفی، قید تصدیق و تأکید، قید تشبیه، قید علت، قید انحصار، قید تبری و ادب و قید اختصار که همه قیدهای اخیر در طبیعت اقرار و آثار آن دگرگونی ایجاد نمی‌کنند.

برای تشخیص اقرار موصوف از مقید ابتدا باید دید که آیا جزء مورد نظر می‌تواند جزء یکی از قیده‌های چهارگانه زمان، مکان، کیفیت (چگونگی) و تدریج باشد که در آن صورت اقرار از نوع اقرار مقید است و در غیر این صورت اقرار از نوع اقرار موصوف است.

۳-۱-۲-۲- مصادیق اقرار موصوف و اقرار مقید

اقرار موصوف به عنوان مثال اقرار به سکه نیم‌بهار در مقابل تمام‌بهار، اقرار به سکه تمام نقش امام در مقابل سکه تمام بهار آزادی، اقرار به خودرو مدل پایین‌تر در مقابل مدل بالاتر، اقرار به واحد آپارتمان ۹۰ متری در مقابل واحد ۱۰۰ متری می‌باشد.^{۳۳}

اگر زید اظهار نماید که با عمرو قرار گذاشته است که اگر مال‌التجاره را فلان روز به فلان نقطه برساند، هزار تومان اجرت بگیرد و اگر در آن تاریخ نرساند و فردای آن روز برساند، پانصد تومان اجرت بگیرد، این یک اقرار مقید است.^{۳۴} مثال دیگر آن است که اگر کسی علیه دیگری به خواسته یک میلیون و صد و بیست هزار تومان اقامه دعوا نماید و ادعا نماید که خواننده دعوا مبلغ یک میلیون تومان قرض گرفته است و قرار بوده است که پس از سه ماه اصل مبلغ را با سود دوازده درصد به وی بپردازد. حال اگر خواننده دین خود را به میزان یک میلیون تومان بپذیرد؛ اما بگوید که قرار نبوده است سودی به خواهان بپردازد. اقرار وی یک اقرار ساده نیست بلکه یک اقرار مقید است؛ چون ادعای خواهان مقید به دوازده درصد سود بوده است، حال آنکه اقرار خواننده به مبلغ قرض به صورت مجانی بوده است.^{۳۵}

۲-۲-۲- اقسام اقرار مرکب از جهت ذکر اجزای آن

اقرار مرکب از جهت ذکر یا عدم ذکر جزء اول آن به دو دسته اقرار مرکب لفظی و معنوی تقسیم می‌گردد.^{۳۶}

۱-۲-۲-۲- اقرار مرکب لفظی

اقرار مرکب لفظی اقراری است که هر دو جزء اقرار مرکب، یعنی یک جزء به ضرر مقر و جزء دیگر به نفع مقر، در کلام مقر ذکر گردیده است؛^{۳۷} به عنوان مثال اگر مقر بیان دارد که به مدعی بدهکارم اما دین‌ام به صورت مؤجل بوده است که هنوز سررسید آن فرا نرسیده است یا اینکه بیان دارد که ماشینی را از مدعی گرفته‌ام اما به عنوان هبه بوده است، نه امانت یا اینکه بیان دارد که به مدعی بدهکار بودم اما دین‌ام را پرداخت کرده‌ام، به ترتیب اقرار مقید لفظی، اقرار موصوف لفظی و اقرار مقید لفظی صورت گرفته است.

۲-۲-۲-۲- اقرار مرکب معنوی

اقرار مرکب معنوی، اقراری است که در آن مقر فقط جزء دوم اقرار را که به نفعش است، بیان می‌دارد؛ اما در واقع از مدلول. مطابقی کلام وی آنچه که به نفعش است و از مدلول التزامی کلام وی آنچه که به ضررش است، یعنی جزء اول اقرار،

۳۳. نعمت رستمی، ادله اثبات در مقام دعوا در امور مدنی و کیفری، (تهران: انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۹۶). ص ۲۲

۳۴. سید علی حائری شاه‌باغ، شرح قانون مدنی، ج ۱، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶). ص ۱۱۵۶

۳۵. امامی، پیشین. صص ۵۸-۵۹

۳۶. شهیدی، پیشین، ص ۴۹

۳۷. همانجا

استنباط می‌گردد؛^{۳۸} به عنوان مثال هر گاه خواننده بیان دارد که مال را به من هبه کرده بوده است نه اینکه امانت باشد یا بیان دارد که هنوز سررسید آن فرا نرسیده است و منظورش سررسید دین باشد یا بیان دارد پرداخت کرده‌ام، به ترتیب اقرار موصوف معنوی، اقرار مقید معنوی و اقرار مقید معنوی صورت گرفته است.

۳-۲-۲- اقسام اقرار مرکب از جهت ارتباط یا عدم ارتباط میان اجزا

تقسیم اقرار مرکب به اقرار مرکب مرتبط و غیر مرتبط همان تقسیم متداول حقوقی می‌باشد که از ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی ایران که مقرر می‌دارد: «اگر اقرار دارای دو جزء مختلف‌الاثرباشد که ارتباط تامی با یکدیگر داشته باشند . . .» استخراج گردیده است و در نوشته‌های حقوقی فرانسوی نیز انعکاس یافته است.^{۳۹}

۱-۳-۲-۲- اقرار مرکب مرتبط

با توجه به ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی، اقرار مرکب مرتبط اقرار مرکبی است که بین اجزای آن ارتباط وجود داشته باشد که این ارتباط می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد.

۱-۱-۳-۲-۲- معنای ارتباط

ارتباط می‌تواند به معنای آن باشد که اگر جزء اول وجود دارد، جزء دوم نیز حتماً وجود دارد و اگر جزء اول نباشد، جزء دوم نیز حتماً وجود ندارد^{۴۰} که این نوع ارتباط، ارتباط دوطرفه یا دوجانبه یا ارتباط اکثری نامیده می‌شود. ارتباط می‌تواند به معنای آن باشد که اگر جزء اول نباشد، جزء دوم نیز حتماً وجود نخواهد داشت، اما در عین حال اگر جزء اول باشد ممکن است جزء دوم وجود داشته باشد یا وجود نداشته باشد^{۴۱} که این نوع ارتباط ارتباط یک‌طرفه یا یک‌جانبه یا ارتباط اقلی نامیده می‌شود. مثال برای ارتباط اکثری آن است که خواهان علیه خواننده دعوایی به مطالبه‌ی یک میلیون تومان بابت ثمن معامله اقامه نماید و طرف مقابل (خواننده) نیز اقرار به بدهکار بودن خود به مبلغ یک میلیون تومان بابت ثمن معامله نماید اما در عین حال ادعا کند که دین را پرداخته است، در مثال مزبور پرداخت دین اثر حتمی بدهکار بودن است و وقتی دین وجود داشته باشد لزوم پرداخت دین هم حتماً وجود خواهد داشت. حال مثال برای ارتباط اقلی آن است که خواهان علیه خواننده دعوایی به مطالبه یک میلیون تومان بابت ثمن معامله اقامه نماید و طرف مقابل (خواننده) نیز اقرار کند که قبلاً یک میلیون تومان بابت ثمن معامله به خواهان بدهکار بوده است اما دین او به خواهان با طلبی که به وسیله فروش یک دستگاه خودرو به خواننده صورت گرفته است، تهاتر گردیده است. در مثال مزبور تهاتر دو دین نتیجه حتمی وجود دین نیست بلکه ممکن است دینی وجود داشته باشد اما تهاتری صورت نگیرد.

۲-۱-۳-۲-۲- معنای ارتباط تام

برخی از نویسندگان بر این عقیده‌اند که مفهوم وجود ارتباط تام مذکور در ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی صرفاً ارتباط اکثری را در بر می‌گیرد و ارتباط اقلی را در بر نمی‌گیرد و مورد دوم در زیر مجموعه اقرار مرکب غیر مرتبط قرار می‌گیرد^{۴۲} و نظر دسته دوم از نویسندگان آن است که ارتباط تام مذکور در ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی هم ارتباط اکثری و هم ارتباط اقلی را در بر می‌گیرد و به هر حال از نظر عرفی هر دو جزء اقرار در هر دو مورد با یکدیگر ارتباط تام دارند.^{۴۳}

در مورد اینکه ادعای تهاتر از سوی خواننده دعوا منجر به ایجاد اقرار مرکب غیر مرتبط می‌شود، نویسندگان علاوه بر استناد به عدم وجود ارتباط اکثری بین اجزای این نوع اقرار، به دلیل دیگری نیز استناد نموده‌اند و آن این است که منشأ طلب

^{۳۸}. همان، ص ۵۰ و علیرضا فصیحی‌زاده، اقرار مرکب معنوی در حقوق ایران و فرانسه، دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۰ (۱۷)، (۱۳۸۸)، ص ۲۳

^{۳۹}. شهیدی، پیشین، ص ۴۳

^{۴۰}. امامی، پیشین. ص ۶۱

^{۴۱}. شهیدی، پیشین، ص ۴۳

^{۴۲}. امامی، پیشین. ص ۶۴

^{۴۳}. شهیدی، پیشین، ص ۴۷

مقر از خواهان واقعه یا عمل حقوقی‌ای است که تحقق آن متفرع و مرتبط با تحقق منشأ دین مقر به خواهان نیست، همان‌گونه که در مثال بالا عقد بیع منشأ طلب مقر متفرع بر عقد بیع منشأ طلب خواهان دعوا و مرتبط با آن نمی‌باشد؛^{۴۴} اما به نظر نویسندگان معتقد به مرتبط بودن تهاتر با جزء اول اقرار، آنچه که در واقع جزء دوم اخبار را تشکیل می‌دهد وقوع تهاتر است، نه وقوع واقعه یا عمل حقوقی منشأ طلب مقر از خواهان و بدیهی است که خود تهاتر به اندازه‌ی کافی بیانگر وحدت عرفی بین دو جزء اقرار و ارتباط بین آنها است.^{۴۵} به نظر می‌رسد که نظر نویسندگان معتقد به مرتبط بودن تهاتر با جزء اول اقرار صحیح‌تر است؛ زیرا که در چنین اقراری در حقیقت باید به قصد اقرارکننده که اراده اخباری به آن تعلق گرفته است، توجه نمود و در واقع در این اقرار اراده اخباری اقرارکننده به اخبار به یکی از اسباب سقوط دین است و تهاتر نیز مانند پرداخت دین یکی از اسباب سقوط دین است و تفاوتی با آن نمی‌کند و وقتی که اقرار خواننده به بدهکار بودن به خواهان و متعاقباً پرداخت دینش به خواهان، یک اقرار مرکب مرتبط است؛ فلذا باید اقرار مرکب به مدیون بودن به خواهان و متعاقباً تهاتر آن دین با طلبش از خواهان یک اقرار مرکب مرتبط تلقی گردد. در مورد این نوع از اقرار مرکب، اصل برائت نیز اقتضای آن را دارد که در صورت تردید در مورد بدهکار بودن یا نبودن مقر در اقرار آن را اقرار مرکب مرتبط تلقی کرد که در صورت تجزیه چنین اقراری لاقلاً حق توسل به سوگندخواهی برای مقر محفوظ بماند؛ زیرا در اقرار مرکب غیر مرتبط، اقرار مرکب تجزیه می‌گردد و حق توسل به سوگندخواهی نیز برای مقر وجود ندارد. دلیل دیگری که می‌توان در جهت تشخیص مفهوم ارتباط تام در ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی به آن استناد نمود این است که طبق قاعده در دواران امر بین اقل و اکثر که در این مورد دوران امر بین ارتباط اقلی و ارتباط اکثری است، بایستی به قدر متیقن که ارتباط اقلی است، اکتفا نمود. در واقع قانون‌گذار به جهت تأکید بیشتر بر لزوم وجود ارتباط بین اجزای اقرار اعم از ارتباط اقلی و ارتباط اکثری به بین عبارت «ارتباط تام» تمسک جسته است.

۲-۳-۲-۲- اقرار مرکب غیر مرتبط

اقرار مرکب غیر مرتبط اقراری است که دو جزء آن با هم ارتباط اقلی یا اکثری ندارند. در واقع اگر وجود هر یک از دو جزء اقرار مرکب بدون دیگری ممکن باشد، آن دو با یکدیگر مرتبط نیستند؛ بیگانگی دو جزء این اقرار را نسبت به هم باید ناشی از دوگانگی موضوع آن اجزا دانست مانند اینکه خواهان علیه خواننده دعوایی به مطالبه یک میلیون تومان بابت ثمن معامله نماید و خواننده نیز در پاسخ بگوید که یک میلیون تومان بابت ثمن معامله به خواهان بدهکار است اما او نیز یک تن برنج از خواهان طلبکار می‌باشد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود موضوع جزء اول اخبار به دین به مبلغ یک میلیون تومان بابت ثمن معامله است و موضوع جزء دوم یک تن برنج می‌باشد که مقر خود را طلبکار آن از خواهان می‌داند که موضوع جزء اول با موضوع جزء دوم متفاوت می‌باشد و دو جزء با هم ارتباطی ندارند.^{۴۶} مثال دیگر آن است که کسی مبلغی بابت دین از دیگری مطالبه می‌نماید و خواننده با اقرار به دین می‌گوید که او نیز از خواهان مبلغی طلبکار است که با طلب خواهان تهاتر گردیده است، به نظر برخی از نویسندگان، این، اقرار غیر مرتبط می‌باشد؛ زیرا طلب خواهان از خواننده و طلب خواننده از خواهان هر یک عنوانی مستقل دارد و هر یک می‌تواند بدون دیگری ایجاد گردد و وجود آن دو با یکدیگر ملازمه‌ای ندارد.^{۴۷} اقرار مرکب غیر مرتبط قابل تجزیه است و تفاوت آن با اقرار مرکب مرتبط مذکور در ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی این است که در اقرار مرکب غیر مرتبط امکان توسل به سوگندخواهی برای مقر وجود ندارد و رسیدگی به آن ادعای غیر مرتبط منوط به طرح دعوی مستقلی است.

۴۴. همان

۴۵. همان

۴۶. شهیدی، پیشین، ص ۴۶

۴۷. سید محسن صدرزاده افشار، ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹)، صص ۱۳۳-۱۳۲

۳- ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی؛ استتنا بر ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی

۱-۳- مفاد ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی

گاهی جزء دوم اقرار از نظر صدور حکم محکومیت یا براءت برای مقر، با جزء اول منافات دارد، بدون اینکه جزء دوم انکار بعد از اقرار محسوب گردد؛ به عنوان مثال خواننده اقرار می‌نماید که صد هزار تومان به خواهان بدهکار بودم، اما آن را پرداخت کرده‌ام که پرداخت فعلی دین انکار جزء اول که اقرار به وجود دین سابق است محسوب نمی‌شود و جزء اول و دوم اقرار فقط از جهت صدور حکم محکومیت یا براءت برای مقر، با یکدیگر منافات دارند و حکم جزء اول صدور حکم بر محکومیت خوانده و حکم جزء دوم صدور حکم مبنی بر براءت ذمه مقر می‌باشد. در مورد اقراری که اجزای آن از نظر صدور حکم محکومیت یا براءت برای مقر، با یکدیگر منافات دارند نیز اقرار قابل تجزیه است؛ منتهی در این مورد بر خلاف موردی که جزء دوم انکار بعد از اقرار محسوب می‌گردد، برای مقر امکان توسل به سوگندخواهی از مقرله وجود دارد.^{۴۸} مثال دیگر آن است که مدعی علیه اقرار نماید که ماشین را از مدعی گرفته است؛ اما به عنوان هبه بوده است نه امانت، یک اقرار مرکب مشمول ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی است؛ زیرا در واقع نص فقهی بر تجزیه‌پذیری این نوع از اقرار دلالت دارد^{۴۹} و اینکه قبل از شور ثانی مجلس از ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی، مثال دوم این ماده این بوده است که خوانده اظهار نماید وجه را از خواهان گرفته‌ام اما بابت طلبی بوده است که از خواهان داشته‌ام. در واقع این مثال که به دلیل اقرار نبودن، بعد از شور ثانی از ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی حذف گردید، در فرض اقرار بودن، اقرار موصوف محسوب می‌گردید، اما با این وجود قانون‌گذار آن را در ذیل ماده ۱۲۸۳ آورده بود. پس مثال اقرار مقر به اینکه ماشین را از مدعی گرفته است، اما به عنوان هبه بوده است نه امانت نیز اقرار موصوفی است که اجزای آن از نظر صدور حکم محکومیت یا براءت برای مقر، با یکدیگر منافات دارند و مشمول ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی است.

۲-۳- عناصر اقرار مرکب مذکور در ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی

۱-۲-۳- دو جزء بودن اقرار

با توجه به ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی: اولاً اقرار باید دو جزء مختلف الاثر داشته باشد به نحوی که جزء دوم نافی جزء اول باشد؛ مثل اینکه بگوید «مدیون بوده‌ام - پرداخته‌ام».^{۵۰}

رای شماره ۱۵۶۰ - ۱۳۱۷/۷/۱۱ شعبه اول مقرر می‌دارد: «تمسک دادگاه به جزء اول اقرار بدون توجه به جزء دوم آن مخالف ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی است.»^{۵۱}

اگر مقر بگوید خودرو سفیدی را از خواهان قرض نمودم اما نه خودرو قرمزی را از خواهان قرض نمودم، اقرار از دو جزء تشکیل نشده است. در واقع اقرار از یک جزء تشکیل شده است و جمله دوم انکار بعد از اقرار محسوب می‌گردد. اگر مقر بگوید صد هزار تومان بدهکار هستم اما پرداخت کرده‌ام نیز اقرار از یک جزء تشکیل شده است و جمله دوم انکار بعد از اقرار می‌باشد. در چنین مواردی اقرار مرکب صورت نگرفته است و در واقع اقرار صورت گرفته یک اقرار ساده است و اقرار از یک

۴۸. شیخ حسن قاروبی تبریزی، النضید فی شرح روضة الشهید، ج ۳۳، (قم، عالمه، ۱۳۹۶ ه. ش.)، صص ۲۶۰، ۲۶۱ و ۲۷۳.
۴۹. «و لو قال: له علی عشرة من ثمن مبیع لم أقبضه ألزم بالعشرة و لم یلتفت الی دعواه عدم قبض المبیع، للتافی بین قوله: «علی» و «کونه لم یقبض المبیع»، لأن مقتضاه عدم استحقاق المطالبة بضمنه مع ثبوته فی الذمه، فان البائع لا یستحق المطالبة بالثمن الا مع تسلیم المبیع.» قاروبی تبریزی، شیخ حسن، النضید فی شرح روضة الشهید، ج ۳۳، (قم، عالمه، ۱۳۹۶ ه. ش.)، ص ۲۶۰.
۵۰. «و لو قال: . . . ردتها أو قبضتها أو قضیتها أو ابرءتی منها فهو اقرار»؛ حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ج ۲، (قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ه. ق.)، ص ۴۲۳.

۵۰. کاظم فاطمی شریعت پناهی، کتاب آیین دادرسی مدنی، (تهران: انتشارات مدرسه عالی قضائی و اداری وابسته به دانشگاه تهران، ۱۳۵۶). ص ۲۴۶
۵۱. عباس زراعت، آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، (تهران: خط سوم، ۱۳۷۹). ص ۴۰۸ و ناصر شادباد، ابراهیم، ادله اثبات دعوی، (تبریز: انتشارات یانار: آیدین، ۱۳۹۱). ص ۱۰۰ و حسینی، سید محمدرضا، قانون آیین دادرسی مدنی در رویه قضایی، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۰). ص ۱۴۰.

جزء تشکیل گردیده است و جمله دوم انکار بعد از اقرار است. مثال دیگر آن است که خواننده اقرار نماید که صد هزار تومان به خواهان بدهکار است که بابت خرید شراب انگور یا گوشت خوک بوده است که در این مورد نیز اقرار از یک جزء تشکیل شده است و در واقع جمله دوم انکار بعد از اقرار است که جمله اول بدهکار بودن فعلی مقر و جمله دوم بدهکار نبودن فعلی مقر را می‌رساند. در چنین مواردی که جمله دوم انکار جمله اول و در واقع انکار بعد از اقرار محسوب می‌گردد، ما با یک اقرار ساده مواجه هستیم، نه یک اقرار مرکب. انکار بعد از اقرار نیز طبق ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی مسموع نیست. در انکار بعد از اقرار، برای مقر نیز حق سوگندخواهی از مقرله وجود ندارد.^{۵۲}

۲-۲-۳- مختلف‌الاثربودن اجزا

مفهوم دو جزء مختلف‌الاثربودن در ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی، آن است که اقرار از دو قسمت تشکیل شده باشد که قسمت اول ذمه‌آور است و قسمت دوم ذمه‌آور نیست؛^{۵۳} یعنی اجزای کلام نافی یکدیگر باشند.^{۵۴} به عبارت دیگر دو جزء مختلف‌الاثربودن یعنی مخلوطی از اقرار و ادعا.^{۵۵} مقصود از «مختلف‌الاثربودن» در ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی آن است که دو جزء اقرار از نظر صدور حکم محکومیت یا برائت برای مقر با یکدیگر منافات داشته باشند، بدون اینکه جزء دوم انکار جزء اول محسوب گردد. اگر مقر بگوید مال مورد ادعای مدعی را از وی گرفته‌ام اما به عنوان هبه بوده است نه امانت، یک اقرار مرکب موصوف صورت گرفته است که وصف (جزء دوم اقرار) با موصوف (جزء اول اقرار) از نظر صدور حکم محکومیت یا برائت برای مقر منافات دارد به این صورت که نتیجه جزء اول صدور حکم محکومیت علیه مقر است و نتیجه جزء دوم صدور حکم برائت به نفع مقر است.

اگر مقر بگوید: «ده هزار تومان برای او بر ذمه من می‌باشد که بابت ثمن کالایی است که از او خریده‌ام؛ اما هنوز آن را قبض نکرده‌ام.» بابت ثمن کالایی است که از او خریده‌ام، صفت برای دین است و آن را قبض نکرده‌ام قید برای دین است که در واقع مربوط به مرحله اجرای حق است؛ به این صورت که با این ویژگی اجرای حق منتفی می‌گردد. همه‌ی فقها با هم اتفاق نظر دارند که جزء دوم چنین اقراری (عدم قبض مبیع) انکار بعد از اقرار نمی‌باشد؛ چون ممکن است دین بر ذمه مدیون ثابت باشد اما به جهت عدم قبض مبیع، حق مطالبه آن برای دائن وجود نداشته باشد و در واقع عدم حق مطالبه ثمن منافاتی با وجود دین بر ذمه مدیون ندارد. عده‌ای از فقها می‌گویند که چنین اقراری از نظر صدور حکم محکومیت یا برائت برای مقر، با یکدیگر منافات دارند و در واقع اجزای آن مختلف‌الاثربودن هستند و در نتیجه چنین اقراری تجزیه می‌گردد؛ چون وقتی که جمله اول مبنی بر بدهکار بودن بابت ثمن مبیع را گفت معنایش این می‌باشد که ده هزار تومان به طور مطلق بر ذمه ثابت می‌باشد به طوری که با بیع هر وقت خواست، حتی الآن، حق مطالبه آن را از من دارد؛ پس وقتی جمله دوم را گفت که «هنوز کالا را قبض نکرده‌ام»، معنایش این می‌باشد که اگرچه ده درهم بر ذمه من می‌باشد، اما الآن به دلیل عدم قبض مبیع حق مطالبه آن را از من ندارد؛ پس جمله دوم با جمله اول از نظر صدور حکم محکومیت یا برائت برای مقر، منافات دارد و چنین اقراری قابل تجزیه است.^{۵۶} دسته دوم از فقها معتقدند که جزء دوم چنین اقراری (عدم قبض مبیع) از نظر صدور حکم محکومیت یا برائت برای مقر، با جزء اول منافاتی ندارد؛ چون اولاً تنافی‌ای بین دو جمله‌ای که گفته شده است، وجود ندارد، چون در جمله اول که می‌گوید «برای او بر ذمه من ده هزار تومان بابت ثمن کالایی است که خریده‌ام» تنها این را اثبات می‌نماید که ده هزار تومان بر ذمه‌اش ثابت می‌باشد و دیگر اثبات نمی‌نماید که تحویل آن به بایع، الآن واجب باشد و بایع اکنون استحقاق مطالبه آن را داشته باشد؛ پس با جمله دوم که مفادش این است که بایع اکنون حق

^{۵۲}. شیخ حسن قاروبی تبریزی، النصید فی شرح روضه الشهدید، ج ۳۳، (قم، عالمه، ۱۳۹۶ ه. ش). ص ۲۷۰

^{۵۳}. نائینی، پیشین. ص ۱۹۶

^{۵۴}. محمد عظیمی، ادله اثبات دعوی، (تهران، مؤسسه انتشارات هاد، ۱۳۷۲). ص ۱۲۸

^{۵۵}. معاونت آموزش قوه قضائیه، نکته‌های کلیدی آیین دادرسی مدنی - اقرار، (تهران: جاودانه، ۱۳۸۸). ص ۴۱

^{۵۶}. قاروبی تبریزی، پیشین. صص ۲۶۱-۲۶۰

مطالبه آن را از من ندارد، منافاتی ندارد. ثانیاً اصل بر براءت و اصل بر عدم قبض است و ثالثاً انسان حق دارد از آنچه که در ذمه‌اش ثابت است، خبر دهد و آنچه که بر ذمه ثابت است، گاهی به گونه‌ای است که الآن باید آن را بپردازد و گاهی نسبی و مدت‌دار است و گاهی وابسته به چیز دیگری است مثل مثال مورد بحث که وابسته به قبض مبیع است و اینکه خود شارع به مردم دستور داده است که به واقعیت اقرار نمایند و قطعاً شارع مقدس به چیزی دستور نمی‌دهد که خلاف آن گردن گیر صاحب آن شود.^{۵۷}

نظر دسته اول از فقها صحیح‌تر است؛ به این علت که در واقع دو جزء «از ثمن کالایی است که از او خریده‌ام» و «آن را قبض نکرده‌ام» به ترتیب وصف و قید جزء اول اقرار می‌باشند و این وصف و قید با یکدیگر ویژگی مختلف‌الاثربودن اقرار را به ارمغان می‌آورند.

۳-۲-۳- ارتباط میان اجزا

دو جزء مذکور ارتباط تام با یکدیگر داشته باشند. مانند این است که بگویید مدیون بودم و پرداخت کرده‌ام؛ اما اگر مقرر بگوید که من صد هزار تومان بدهی دارم و بعد مدعی گردد که مقرله نیز باید مقداری گندم به من تحویل بدهد، بین دو جزء گفتار ارتباطی وجود ندارد و اقرار مرکب به نحوی که مورد نظر است، محسوب نمی‌گردد.^{۵۸}

اگر دو جزء مختلف‌الاثربودن اقرار مرکب، ارتباط تامی با یکدیگر داشته باشند، به گونه‌ای که بخش ادعا، به طور کلی در صورت پذیرش، رافع اثر از اقرار باشد، مانند زمانی که پس از انجام قرارداد، ادعای اقاله آن را بنماید یا با پذیرفتن استقراض، مدعی رد آن گردد، می‌توان برای اثبات اخبار متضمن ادعا در همان دعوا به سوگند متوسل گردید، حال آنکه اگر این ادعا با اقرار ارتباط تامی نداشته باشد، طرح آن منوط به طرح دعوای مستقلی می‌باشد و در آن دعوا قابل رسیدگی نیست.^{۵۹}

مثالی هم که خود قانون‌گذار در ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی به کار برده است، به بهترین وجه شروط مندرج در ماده مزبور را متضمن می‌باشد؛ زیرا هم جزء دوم کلام مقرر جزء اول را نفی می‌نماید و هم اینکه بین بدهکار بودن و پرداخت وجه ارتباط کامل و منطقی برقرار می‌باشد.^{۶۰}

اگر دادرس نتواند نحوه ارتباط جزء لاحق به اقرار را احراز کند، اصل براءت، مقتضی آن می‌باشد که اقرار را غیر قابل تجزیه بدانیم به ویژه که اراده درونی مقرر امری است که جز از راه مقرر نمی‌توان به آن پی برد؛ فلذا باید به گفته‌های او اعتماد نمود.^{۶۱}

وقتی که دو جزء اقرار با هم ارتباط نداشته باشند، مثلاً خواهان ادعا کند که صد هزار تومان از خواننده طلبکار است و خواننده نیز در مقابل اقرار کند که صد هزار تومان به خواهان بدهکار است اما در مقابل یک تن برنج از خواهان طلبکار است، در این مورد اقرار قابل تجزیه است و امکان توسل به سوگندخواهی نیز برای مقرر وجود ندارد.

۴-۲-۳- دعوای مدعی مستند به سند رسمی یا سندی که اعتبار آن محرز شده است، نباشد

رای شماره ۲۰۴ مورخ ۱۳۳۰/۲/۲۹ شعبه ۴ دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «در موردی که بین طرفین سندی اعم از عادی یا رسمی تنظیم نشده و مستند منحصراً اقرار خواننده که دارای دو جزء مختلف‌الاثربوده است، باشد طبق مدلول ماده

^{۵۷} پیشین. صص ۲۶۵-۲۶۲ و القاضی ابن براج، جواهر الفقه، ج ۱، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۱ ه ق). ص ۹۶

^{۵۸} کاظم فاطمی شریعت پناهی، کتاب آیین دادرسی مدنی، (تهران: انتشارات مدرسه عالی قضائی و اداری وابسته به دانشگاه تهران، ۱۳۵۶). ص ۲۴۶ و عظیمی، پیشین. ص ۱۲۹

^{۵۹} رضا دهقانی نظام‌آبادی. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی اقرار با تأکید بر حقوق مدنی در کشورهای ایران، کانادا، فرانسه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس. ص ۲۳

^{۶۰} عظیمی، پیشین. ص ۱۲۸

^{۶۱} عباس زراعت و حمیدرضا حاجی‌زاده، ادله اثبات دعوا، (کاشان: قانون‌مدار، ۱۳۸۸). ص ۲۰۶

۱۲۸۳ قانون مدنی، مشارالیه مطلقاً حق دارد از طرف مقابل تقاضای اتیان قسم نماید، اعم از اینکه دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا نه.^{۶۲}

مقصود از «محرز بودن اعتبار سند» مذکور در قسمت اخیر ماده ۱۳۳۴ قانون مدنی این می‌باشد که منهای اقرار مزبور، اعتبارش محرز باشد و در غیر این صورت باید ماده ۱۳۳۴ قانون مدنی اجرا شود مانند مورد مذکور در حکم تمیزی شماره ۱۳۲۳-۹۷۶ مورخ ۱۳۰۷/۱۰/۲۶ که مقرر می‌دارد: «هر گاه شخصی در مقابل سندی که مدرک ادعا واقع شده است، مدعی رد شود در حالی که سند مزبور را قبلاً تکذیب کرده باشد، این اظهار در حکم اقرار به اصالت سند بوده و دیگر رسیدگی به اصالت سند لازم نیست.» اقرار فوق اقرار مرکبی است که اجزای آن از نظر صدور حکم محکومیت یا برائت برای مقر، با یکدیگر منافات دارند و باید ماده ۱۳۳۴ قانون مدنی اعمال گردد.^{۶۳}

اقرار نباید در برابر دعوای مستند به سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده است، باشد؛ زیرا در این صورت مدعی علیه هم برای جزء دوم اقرار باید سند ارائه کند در غیر این صورت فقط قسمت اول اقرار که طبق سند مدعی نیز تأیید شده قابل قبول خواهد بود^{۶۴} و در واقع علت تقنین قسمت اخیر ماده ۱۳۳۴ قانون مدنی به دلیل اصل اصالت سند رسمی است.

یکی از نویسندگان گفته است علت وضع قسمت اخیر ماده ۱۳۳۴ قانون مدنی این می‌باشد که بر فرض اینکه خواننده اقرار نمی‌نمود دعوای خواهان با سند رسمی ثابت می‌شد؛^{۶۵} اما به نظر می‌رسد آنچه که در سطرهای پیشین گفته شد، صحیح است؛ چون اگر دعوای خواهان مستند به شهادت شهود هم می‌بود، با فرض اینکه خواننده اقرار نمی‌نمود، دعوای خواهان با شهادت شهود اثبات می‌شد، حال آنکه قسمت اخیر ماده ۱۳۳۴ قانون مدنی شامل شهادت شهود نمی‌گردد.

یکی دیگر از نویسندگان نیز بیان می‌دارد که اگر مستند دعوای مدعی سند رسمی یا سندی که اعتبار آن محرز شده است، باشد، هیچ گونه دعوایی که مخالف مدلول آن باشد، مسموع نیست تا تقاضای قسم پذیرفته شود.^{۶۶} در این خصوص باید گفت که این نظر از مفاد ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی برگرفته شده است که این ماده مقرر می‌دارد در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده، دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی‌گردد. این ماده به موجب نظریه شماره ۲۶۵۵ شورای نگهبان مورخ ۱۳۶۷/۸/۸ ابطال شده است؛ اما از نظر قانون‌گذار که این ماده ابطال نگردیده است، بنابراین نظر نویسنده اخیر در مورد مبنای تقنین قسمت اخیر ماده ۱۳۳۴ قانون مدنی می‌تواند صحیح باشد.

^{۶۲} رأی شماره ۲۰۴ مورخ ۱۳۳۰/۲/۲۹ منتشر شده در شعبه ۴ دیوان عالی کشور نقل از سید محمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۷۹). ص ۳۳۰ و مهدی نیکفر، قانون مدنی در آراء دیوان عالی کشور، (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۱). ص ۲۷۴

^{۶۳} محمدجعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۱، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳). ص ۲۱۴

^{۶۴} کاظم فاطمی شریعت پناهی، کتاب آیین دادرسی مدنی، (تهران: انتشارات مدرسه عالی قضائی و اداری وابسته به دانشگاه تهران، ۱۳۵۶). ص ۲۴۶

^{۶۵} جلال الدین مدنی، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، (تهران: انتشارات پایدار، ۱۳۷۷). ص ۱۹۱

^{۶۶} سید علی حائری شاه‌باغ، شرح قانون مدنی، ج ۱، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶). ص ۱۱۵۷

نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش صورت‌گرفته اقسام اقرار از لحاظ ترکیب در حقوق ایران از متون فقهی برگرفته است. به این صورت که اقرار از لحاظ ترکیب به دو دسته اقرار ساده و اقرار مرکب تقسیم می‌شود و اقرار مرکب نیز به دو دسته اقرار مقید و موصوف تقسیم می‌شود. ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی ناظر به اصل تجزیه‌ناپذیری اقرار مرکب اعم از موصوف و مقید است و ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی ناظر به استثنای این اصل و مربوط به زمانی است که اجزای اقرار مرکب از نظر صدور حکم براءت یا محکومیت برای مقر، با هم منافات داشته باشند؛ مانند اینکه شخصی در مقابل دعوی به خواسته مطالبه عوض طلا و نقره‌ای که موضوع عقد عاریه قرار گرفته است (یعنی عاریه طلا و نقره)، اقرار کند که طلا و نقره را از خواهان دریافت کرده است اما قرارداد ما عقد عاریه نبوده است، بلکه عقد ودیعه بوده است و من هیچ‌گونه مسئولیتی نسبت به پرداخت عوض مورد ودیعه که طلا و نقره بوده است و بدون تعدی یا تفریط من به سرقت رفته است، ندارم. در واقع در این مثال اقرار از دو جزء تشکیل شده است که جزء اول که اقرار به دریافت طلا و نقره از خواهان است، محکومیت مقر را نتیجه می‌دهد و جزء دوم اقرار که بیان ودیعه بودن قرارداد و عدم ضمان مقر است، صدور حکم براءت مقر را نتیجه می‌دهد که این دو جزء، از نظر نتیجه صدور حکم محکومیت و صدور حکم براءت، با یکدیگر منافات دارند. پس چنین اقراری یک اقرار مرکبی است که اجزای آن از نظر صدور حکم براءت یا محکومیت برای مقر، با یکدیگر منافات دارند. با این اوصاف، تفاوتی که بین دستاورد پژوهش‌های پیشین و پژوهش حاضر ایجاد می‌شود این است که طبق نظر نویسندگان حقوقی ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی که ناظر به تجزیه‌پذیری اقرار مرکب است، مربوط به زمانی است که مقر اقرار به وجود دینش می‌کند و ادعا می‌کند که پس از به وجود آمدن دین کاری انجام شده است که دینش از بین رفته است؛^{۶۷} حال آنکه طبق پژوهش حاضر هر اقراری که اجزایش از نظر صدور حکم محکومیت یا براءت برای مقر، با یکدیگر منافات داشته باشند تجزیه می‌شود، هر چند مقر ادعای انجام شدن کاری بعد از به وجود آمدن دین را نکرده باشد؛ مثلاً حتی اگر مقر اقرار کند که خواهان ماشینش را به او داده است اما به عنوان هبه بوده است، نه ودیعه؛ با اینکه مقر بعد از به وجود آمدن دین کاری را انجام داده است، چون اجزای اقرار از نظر صدور حکم محکومیت یا براءت با یکدیگر منافات دارند، چنین اقراری تجزیه می‌شود. در فرضی هم که خواهان دعوی به خواسته مطالبه مثل یا قیمت طلا و نقره موضوع عقد عاریه که از ید خوانده به سرقت رفته است، نماید و خوانده نیز اقرار نماید که طلا و نقره را از خواهان گرفته است اما به صورت انعقاد عقد ودیعه بوده است و طلا و نقره بدون تقصیر خوانده به سرقت رفته است، چنین اقراری یک اقرار مرکب از نوع موصوف است. در چنین اقراری نیز مقر بعد از به وجود آمدن دین کاری را انجام نداده است؛ اما چون نتیجه جزء اول صدور حکم محکومیت علیه مقر و نتیجه جزء دوم صدور حکم براءت به نفع مقر است و در واقع اجزای این اقرار از نظر صدور حکم محکومیت یا براءت برای مقر، با یکدیگر منافات دارند، به حکم ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی تجزیه می‌شود و برای مقر نیز برای اثبات جزء دوم اقرار، امکان توسل به سوگندخواهی وجود دارد.

پیشنهادها

به نظر نگارنده بایستی قانون‌گذار عبارت «مرتبط» را به متن ماده ۱۲۸۲ قانون مدنی اضافه و در واقع متن این ماده را به این نحو اصلاح نماید: «اگر موضوع اقرار در محکمه مقید به قید یا وصف مرتبطی باشد، مقرله نمی‌تواند آن را تجزیه کرده، از قسمتی از آن که به نفع اوست بر ضرر مقر استفاده نماید و از جزء دیگر آن صرف نظر کند.» بایستی قانون‌گذار عبارات «موصوف یا مقید» را به متن ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی اضافه کند تا همگان دریابند که ماده ۱۲۸۳ استثنای وارد بر همان اقرار موصوف و مقید مذکور در ماده ۱۲۸۲ است. قانون‌گذار بایستی یک مثال دیگر را نیز که در آن مقر بعد از به وجود آمدن دین کاری را انجام نداده است، به متن ماده بیفزاید تا همگان دریابند که استثنای مربوط به مختلف‌الاثربودن اجزا صرفاً

ناظر به فرضی که مقرر بعد از به وجود آمدن دین کاری را انجام داده است، نمی‌شود. در واقع قانون‌گذار بایستی ماده ۱۲۸۳ قانون مدنی را به این نحو اصلاح نماید: «اگر اقرار موصوف یا مقید دارای دو جزء مختلف‌الاثرا باشد که ارتباط تامی با یکدیگر داشته باشند، مثل اینکه مدعی علیه اقرار به اخذ وجه از مدعی نموده و مدعی رد شود یا اقرار نماید ماشین خواهان را گرفته‌ام اما به عنوان هبه بوده است، نه ودیعه، مطابق مدلول ماده ۱۳۳۴ اقدام خواهد شد.»

منابع و مأخذ

منابع فارسی

احمدی، عزیزالله. (۱۳۹۹). «واکاوی پذیرش انکار بعد از اقرار»، مجله فقه و قضا، اسفند، دوره ۱۲، شماره ۲- شماره پیاپی

۱۷

- امامی، سید حسن. (۱۳۷۵). حقوق مدنی جلد ۶، چاپ هفتم، تهران، انتشارات اسلامیه
- بهرامی، بهرام. (۱۳۸۹). بایسته‌های ادله اثبات، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی نگاه بینه
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۴۳). دانشنامه‌ی حقوقی، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- جمعی از محققان. (۱۳۸۹). فرهنگ‌نامه اصول فقه، ج ۱، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- حائری شاه‌باغ، سید علی. (۱۳۷۶). شرح قانون مدنی، ج ۱، تهران، کتابخانه گنج دانش
- حسینی، سید محمدرضا. (۱۳۷۹). قانون مدنی در رویه قضایی، تهران، انتشارات مجد
- حسینی، سید محمدرضا. (۱۳۸۰). قانون آیین دادرسی مدنی در رویه قضایی، تهران، انتشارات مجد
- کرمانی، علی‌پناه اشتهاوردی، عبدالرحیم بروجردی (محقق / مصحح) ج ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان
- دهقانی نظام‌آبادی، رضا. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی اقرار با تأکید بر حقوق مدنی در کشورهای ایران، کانادا، فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس
- رستمی، نعمت. (۱۳۹۶). ادله اثبات در مقام دعوا در امور مدنی و کیفری، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل
- زراعت، عباس و حاجی‌زاده، حمیدرضا. (۱۳۸۸). ادله اثبات دعوا، کاشان، قانون‌مدار
- زراعت، عباس. (۱۳۷۹). آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، تهران، خط سوم
- شهیدی، مهدی. (۱۳۷۰). «اقرار غیر مجرد»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۵۵، شماره ۱
- شیخ‌نیا، امیرحسین. (۱۳۷۵). ادله‌ی اثبات دعوی، تهران، شرکت سهامی انتشار
- صدرزاده‌ی افشار، سید محسن، (۱۳۶۹). ادله‌ی اثبات دعوی در حقوق ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- صفار، محمدرضا. (۱۳۸۸). قاعده تجزیه‌ناپذیری اقرار و دامنه اجرای آن، فصلنامه مفید، شماره ۲۲
- عظیمی، محمد. (۱۳۷۲). ادله‌ی اثبات دعوی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه‌ی انتشارات هاد
- فاطمی شریعت پناهی، کاظم. (۱۳۵۶). کتاب آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات مدرسه عالی قضائی و اداری وابسته به دانشگاه تهران
- فصیحی‌زاده، علیرضا. (۱۳۸۸). اقرار مرکب معنوی در حقوق ایران و فرانسه، دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۰ (۱۷)
- قائم‌مقامی، عبدالمجید. (۱۳۴۱). حقوق مدنی جزوه اقرار (مواد ۱۲۵۸ الی ۱۲۸۳ قانون مدنی)، تهران، چاپ الوند
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). اثبات و دلیل اثبات، تهران، میزان
- کریمی، عباس. (۱۳۹۹). ادله اثبات دعوا، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان
- لیلا وفایی‌زاده، ادبیات را ساده بیاموزیم، نوشته‌شده در یکشنبه دوم مهرماه ۱۳۹۱، قابل دسترس، (تاریخ مراجعه به سایت: ۱۴۰۲/۸/۱)، قابل مشاهده در نشانی: b2n.ir/r84182
- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۷۷). آیین دادرسی مدنی، مهندس سید حسین مدنی کرمانی (مصحح)، ج ۲، تهران، انتشارات پایدار
- معاونت آموزش قوه قضائیه. (۱۳۸۸). نکته‌های کلیدی آیین دادرسی مدنی - اقرار، تهران، جاودانه
- ملک‌زاده، فهیمه. (۱۳۹۵). دانشنامه حقوقی (حقوق مدنی)، ج ۱، تهران، انتشارات مجد
- ناصر شادباد، ابراهیم. (۱۳۹۱). ادله اثبات دعوی، تبریز، انتشارات یانار: آیدین

نائینی، احمدرضا (گردآورنده و محقق). (۱۳۸۶). مشروح مذاکرات قانون مدنی، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نظریه شماره ۲۶۵۵ مورخ ۱۳۶۷/۸/۸ شورای نگهبان

نیکفر، مهدی. (۱۳۷۱). قانون مدنی در آراء دیوان عالی کشور، تهران، انتشارات کیهان
واعظی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۳). ادله اثبات دعوی در امور کیفری، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل

منابع عربی

حسینی حائری، سید کاظم. (۱۳۸۱). القضاء فی الفقه الإسلامی، ج ۱، چاپ دوم، قم، مجمع الفکر الإسلامی
حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷ ه ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، سید حسین
موسوی کرمانی، علی‌پناه اشتهاردی، عبدالرحیم بروجردی (محقق / مصحح) ج ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان
قاروبی تبریزی، شیخ حسن. (۱۳۹۶). النضید فی شرح روضه الشهید، ج ۳۳، قم، عالمه
القاضی ابن براج. (۱۴۱۱ ه ق). جواهر الفقه، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین

منابع فرانسوی

M.M.C. AUBRY ET C. RAU, Course DE Droit Civil Français, Traduit de l'Allemand, Strasbourg, F. Lagier, Libraire- Editeur Rue Mercière 10, 1846

منابع انگلیسی

-P. H. collin, (2004), Dictionary of law, fourth edition England, London, Bloomsbury publishing

Revision of the confession types in terms of composition in Iran Law

Abstract

According to legal writer's ideas, following France law, in terms of composition confession is divided into three categories; simple confession, bound confession and partial confession. While according to research that has been done according to in terms of composition, following jurisprudence, confession is divided into two categories; simple confession and partial confession and also partial confession is divided into two categories qualified confession and bound confession. According to the previous researches, Article 1282 of the Civil Code refers to the unanalyzability of the confession and Article 1283 of the Civil Code refers to the analyzability of the partial confession; While according to the research that has been done, Article 1282 of the Civil Code refers to the principle of unanalyzability of partial confession, and Article 1283 of the Civil Code is an exception to this principle and refers to the analyzability of partial confession including qualified confession and bound confession that it's parts disagree together in terms of adjudication conviction versus confessor or acquittal for confessor. With the recent interpretation of Articles 1282 and 1283 of the Civil Code, the principle of the unanalyzability of confession crystallizes better; While, if the interpretation obtained from previous researches is followed, because mentioned confession in article 1283 of the civil code won't have exceptional face and this article will be related to partial confession that that is divisible basically, the principle of unanalyzability of the confession is not obtained from the civil code articles.

Key words

Confession, Analysis, Partial, Bound, Qualified